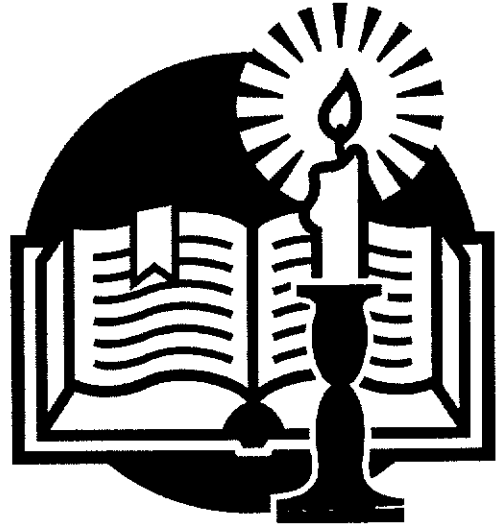


تجدید نظر آرای دادگاههای عمومی، انقلاب و نظامی



محمد مصار کوشکی

(دادیار اظهار نظر دادسرای نظامی مشهد مقدس)

تجدید نظر به طریق عادی در امور مدنی به موجب ق. آ. د. م. دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹

کلیه آرای محاکم بدوی در امور مدنی قطعی است مگر در موارد ذیل که قابل تجدیدنظر است:

الف) کلیه دعاوی مالی که خواسته و ارزش آن بیش از ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد.

ب) کلیه احکام در دعاوی غیر مالی (ج) قرار ابطال یا رد دادخواست که در دادگاه صادر شده باشد و قرار ردّ دعوا - قرار عدم استماع دعوا - قرار سقوط دعوا - قرار عدم اهلیت طرفین دعوا در صورتی که حکم راجع به اصل آن دعوا قابل تجدیدنظر است.

د) حکم راجع به متفرعات دعوا در صورتی که حکم راجع به اصل دعوا قابل تجدیدنظر باشد.

مرجع تجدیدنظر آرای محاکم بدوی فوق، دادگاه تجدیدنظر همان استان است. (مواد ۳۳۰ الی ۳۳۴)

استثنا: ۱ - احکام فوق اگر مستند به اقرار در دادگاه، یا رأی یک یا چند نفر کارشناس که طرفین رأی آنها را کتباً قاطع دعوا قرار داده باشند، قابل تجدیدنظر نیست.

۲ - در صورتی که طرفین دعوا با توافق کتبی حق تجدید نظرخواهی خود را ساقط کرده باشند تجدید نظرخواهی آنها مسموع نخواهد بود.

موارد فرجام خواهی در دیوان عالی کشور

الف) آرای محاکم بدوی که قابل تجدید نظرخواهی بوده لیکن به لحاظ عدم درخواست تجدید نظر قطعیت یافته اند؛ در موارد:

۱ - احکامی که خواسته آن بیش از ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال باشد. ۲ - احکام راجع به اصل نکاح و فسخ آن، طلاق، نسب، حجر، ثلث، حبس، وقف، تولیت. ۳ - قرار

- در صورتی که طرفین
- دعوا با توافق کتبی حق
- تجدید نظرخواهی خود را
- ساقط کرده باشند، تجدید
- نظرخواهی آنها مسموع
- نخواهد بود

ابطال یا رد دادخواست که توسط دادگاه بدوی صادر شده، قرار سقوط دعوا، قرار عدم اهلیت دعوی طرفین، مشروط به اینکه اصل حکم راجع به آن قابل فرجام خواهی باشد.

ب) آرای تجدیدنظر استان در موارد: ۱ - در مورد اصل نکاح، فسخ آن، طلاق، حجر و وقف. ۲ - قرار ابطال یا رد دادخواست، قرار سقوط دعوا، قرار عدم اهلیت یکی از طرفین، که دادگاه تجدیدنظر استان صادر کرده است مشروط به اینکه اصل حکم راجع به آن قابل فرجام خواهی باشد. (ماده ۳۶۶ الی ۳۶۹)

استثنا: ۱ - احکام فوق اگر مستند به اقرار قاطع دعوا در دادگاه باشد، ۲ - احکام مستند به نظر یک یا چند کارشناس که طرفین کتباً رأی آنها را قاطع دعوا قرار داده باشند، ۳ - احکام مستند به سوگند، ۴ - احکامی که طرفین حق فرجام خواهی خود را نسبت به آن ساقط کرده باشند، ۵ - احکامی که به موجب قوانین خاص قابل فرجام خواهی نباشد، فرجام خواهی آنها مسموع نخواهد بود.

تذکره:

۱ - کلیه آرای صادره در مرحله تجدیدنظر قطعی است مگر در مورد یکی از ادعاهای سه گانه موضوع ماده (۳۲۶) یا در مورد رأی

اصراری که تجدید نظر از این آرا ممکن است .
 ۲ - مهلت تجدید نظر خواهی برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و اشخاص خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ رأی حضوری یا انقضای مدت و خواهی در آرای غیابی است مگر در صورت وجود معاذیر تبصره ۲۰ ماده (۲۸) قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب که در این صورت شروع مهلت تجدید نظر از تاریخ رفع عذر موجه است .
 ۳ - مهلت فرجام خواهی برای اشخاص داخل ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج دو ماه که ابتدای مهلت فرجام خواهی از آرای دادگاه تجدید نظر استان از روز ابلاغ و برای آرای قابل تجدید نظر دادگاه بدوی از تاریخ انقضای مهلت تجدید نظر خواهی شروع می شود مگر در صورت وجود معاذیر تبصره ۲۰ ماده (۲۸) قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب که در این صورت ابتدای مهلت مذکور از تاریخ رفع عذر موجه است .

۴ - در صورتی که رأی دادگاه به جنبه کیفری و دعوای ضرر و زیان توأماً صادر شده، چنانچه یکی از جنبه های مذکور قابل درخواست تجدید نظر باشد، جنبه دیگر رأی نیز به تبع آن قابل تجدید نظر بوده و صلاحیت مرجع تجدید نظر نیز بر همین مبنا خواهد بود (م ۲۳۴ ق.ا.د.ک)، و اگر رأی از هر دو جنبه قابل تجدید نظر باشد و از هر دو جنبه تجدید نظر خواهی شده باشد و مرجع رسیدگی به یکی از این دو جنبه رأی دیوان عالی کشور باشد، دیوان عالی کشور صالح به رسیدگی تجدید نظر هر دو جنبه رأی می باشد. (مستنبط از رأی وحدت رویه ۶۰۷/۷۵)

تجدید نظر به طرق فوق العاده در امور مدنی
 الف) اعمال ماده (۳۲۶) ق.ا.د.م: در صورت وجود یکی از ادعاهای موارد سه گانه

- در صورتی که رأی دادگاه
- به جنبه کیفری و دعوای
- ضرر و زیان توأماً صادر
- شده، چنانچه یکی از
- جنبه های مذکور قابل
- درخواست تجدید نظر
- باشد، جنبه دیگر رأی نیز به
- تبع آن قابل تجدید نظر
- بوده و صلاحیت مرجع
- تجدید نظر نیز بر همین
- مبنا خواهد بود

موضوع این ماده کلیه آرای قطعی بدون مهلت قابل تجدید نظر است. (رأی وحدت رویه ۶۳۹/۷۸)
 ب) اعمال ماده (۳۸۷) ق.ا.د.م (دادستان کل کشور):

۱ - رأی قابل فرجام خواهی باشد و در مهلت مقرر فرجام خواهی نشده باشد یا به هر علتی قرار رد دادخواست فرجامی صادر شده باشد.

۲ - رأی قطعی شده باشد که در این صورت باید ظرف یک ماه از تاریخ قطعیت رأی، دادخواست تجدید نظر به دادستان کل کشور بدهد. چنانچه دادستان کل دادخواست را پذیرفت پرونده را جهت نقض رأی به دیوان عالی کشور ارسال می نماید در صورت نقض رأی در دیوان عالی کشور وفق ماده (۴۰۱) اقدام می نماید.

مرجع تجدید نظر فوق العاده از آرای محاکم بدوی در دادگاه تجدید نظر همان استان .
 از آرای تجدید نظر استان در دیوان عالی کشور.

از آرای شعب دیوان عالی کشور ریاست دیوان عالی کشور. ماده (۴۱۲ ق.ا.د.م)
 تجدید نظر به طریق عادی از آرای محاکم نظامی طبق قانون تجدید نظر آرای محاکم سال ۱۳۷۲

کلیه آرای محاکم نظامی قطعی است مگر در موارد ذیل که قابل تجدید نظر است:
 ۱ - اعدام، ۲ - حدود، ۳ - قصاص، ۴ - ضبط و مصادره اموال، ۵ - دیه بیش از خمس دیه کامل، ۶ - جرایمی که حداکثر مجازات قانونی آن بیش از شش ماه حبس یا شلاق باشد، ۷ - جرایمی که مجازات قانونی آن جزای نقدی بیش از ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال است.

تبصره: منظور از آرای مذکور اعم از محکومیت، برائت و موقوفی تعقیب است.

مرجع تجدید نظر آرا

- ۱ - تجدید نظر از آرای محاکم نظامی دو در دادگاه نظامی یک همان استان.
- ۲ - تجدید نظر از آرای بدوی محاکم نظامی یک در دیوان عالی کشور است.
- ۳ - تجدید نظر از آرای بدوی محاکم نظامی یک به جانشینی نظامی دو در دادگاه نظامی یک هم عرض صورت می گیرد.

تذکره:

۱ - آرای صادره در مرحله تجدید نظر قطعی است مگر در صورت وجود یکی از ادعاهای سه گانه موضوع ماده (۸) قانون مذکور یا در مورد رأی اصراری که تجدید نظر از این آرا ممکن است.

۲ - مهلت تجدید نظر خواهی برای ساکنین

ایران بیست روز و برای کسانی که در خارج از ایران هستند دو ماه از تاریخ ابلاغ رأی حضوری یا انقضای مدت واخواهی در آرای غیابی است مگر در مورد معاذیر موجه تبصره ۲۰ ماده (۱۳) که ابتدای مهلت از تاریخ رفع عذر موجه است.

۳- آرای مربوط به جرایم موادمخدر قطعی است مگر در مورد احکام اعدام که پس از تأیید رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور قطعی و لازم‌الاجرا است. مستند ماده (۳۲) قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۷.

تجدید نظر فوق‌العاده از آرای محاکم نظامی به دو طریق ممکن است.

الف) اعمال ماده (۸) قانون تجدید نظر آرای دادگاهها مصوب سال ۱۳۷۲ کلیه آرای قطعی محاکم نظامی در اجرای ماده (۸) ق مذکور قابل تجدید نظر است که مرجع تجدید نظر وفق تجدید نظر به طریق عادی (فوق) انجام می‌شود. (رأی وحدت رویه ۶۰۹/۷۷)

ب) اعمال ماده (۱۷) قانون تجدید نظر آرای دادگاهها در سال ۱۳۷۲ شرایط تجدید نظر (دادستان کل کشور): ۱- رأی قابل تجدید نظر باشد. ۲- در دیوان عالی کشور تجدید نظر خواهی نشده باشد. ۳- رأی قطعیت یافته باشد که در این صورت ظرف یک ماه از تاریخ قطعیت رأی می‌توان از طریق دادستان کل کشور تقاضای تجدید نظر کرد.

تجدید نظر در امور کیفری به طریق عادی طبق قانون آ. د. کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب سال ۱۳۷۸

کلیه آرای محاکم بدوی در امور کیفری قطعی است مگر در موارد ذیل که قابل تجدید نظر خواهی است.

الف: جرایمی که مجازات قانونی آن اعدام

یا رجم است.

ب: جرایمی که به موجب قانون مشمول حد یا قصاص نفس و اطراف می‌باشد.

ج: ضبط اموال بیش از یک میلیون ریال و مصادره اموال

د: جرایمی که طبق قانون مستلزم پرداخت دیه بیش از خمس دیه کامل است.

ه: جرایمی که حداکثر مجازات قانونی آن بیش از سه ماه حبس یا شلاق یا جزای نقدی بیش از پانصد هزار ریال باشد.

و: محکومیت‌های انفصال از خدمت تبصره: منظور از آرای تجدید نظر اعم از آرای محکومیت، براءت، منع پیگرد و موقوفی تعقیب است.

مرجع تجدید نظر آرای ماده (۲۳۳) آرای قابل تجدید نظر محاکم در امور کیفری، دادگاه تجدید نظر همان استان می‌باشد مگر در موارد ذیل که تجدید نظر از این آرا در دیوان عالی کشور است.

۱- جرایمی که مجازات قانونی آنها اعدام یا رجم است.

۲- جرایمی که مجازات قانونی آنها قطع عضو، قصاص نفس یا اطراف باشد.

۳- جرایمی که مجازات قانونی آنها حبس بیش از ده سال باشد.

۴- مصادره اموال استثنای ماده (۲۴۷):

- **مقررات تجدید نظر از**
- **آرای دادگاه نظامی دو در**
- **دادگاه نظامی یک، مشابه**
- **مقررات دادگاه تجدید نظر**
- **استان است.**

در صورتی که طرفین با توافق کتبی حق تجدید نظر خواهی خود را ساقط کرده باشند تجدید نظر خواهی آنها مسموع نخواهد بود.

تذکر:

۱- آرای صادره در مرحله تجدید نظر قطعی است مگر در مورد هر یک از ادعای سه‌گانه موضوع ماده (۲۳۵) در مورد رأی اصراری که تجدید نظر از این آرا ممکن است.

۲- مهلت تجدید نظر خواهی برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و اشخاص خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ رأی حضوری یا انقضای مدت واخواهی در آرای غیابی است مگر در مورد معاذیر تبصره ۲۰ ماده (۲۸) قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و یا معاذیر ماده (۲۳۸)، که در این صورت شروع مهلت تجدید نظر از تاریخ رفع عذر موجه است.

۳- در موردی که رأی دادگاه به جنبه کیفری و دعوی ضرر و زیان توأمأ صادر شده باشد، چنانچه یکی از جنبه‌های مذکور قابل درخواست تجدید نظر باشد، جنبه دیگر رأی نیز به تبع آن قابل تجدید نظر بوده و صلاحیت مرجع تجدید نظر نیز بر همین مبنا خواهد بود. «ماده (۲۳۴) قانون آ. د. کیفری». و اگر رأی از هر دو جنبه قابل تجدید نظر باشد و از هر دو جنبه تجدید نظر خواهی شده باشد و مرجع رسیدگی به یکی از این دو جنبه رأی دیوان عالی کشور باشد، دیوان عالی کشور صالح به رسیدگی تجدید نظر هر دو جنبه رأی می‌باشد. (رأی وحدت رویه ۶۰۶/۷۵)

۴- آرای مربوط به جرایم موادمخدر قطعی است مگر در مورد احکام اعدام که پس از تأیید رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور قطعی و لازم‌الاجرا می‌گردد. «مستند ماده (۳۲) قانون اصلاحیه مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۷»

تجدید نظر در امور کیفری به طریق فوق العاده

الف: اعمال ماده (۲۳۵) در صورت هر یک از ادعاهای سه گانه موضوع این ماده، کلیه آرای قطعی بدون مهلت، قابل تجدیدنظر است.

ب: اعمال ماده (۲۶۸) ق. آ. د. ک: «دادستان کل کشور» ۱ - رأی قابل تجدیدنظر باشد در مهلت مقرر تجدید نظر خواهی نشده باشد یا به هر علتی رأی قطعی شده باشد. ۲ - رأی قطعیت یافته باشد که در این صورت باید ظرف یک ماه از تاریخ قطعیت رأی درخواست تجدیدنظر از دادستان کل کشور نماید.

مرجع تجدید نظر آرا

۱ - از آرای محاکم بدوی در دادگاه تجدیدنظر همان استان
۲ - از آرای که در مقام تجدیدنظر صادر شده - دیوان عالی کشور «ماده (۴۱۲) - ق. ا. د. م. و رأی وحدت رویه ۶۴۸ ۷۸
۳ - از آرای شعب دیوان عالی کشور - ریاست دیوان عالی کشور

اقدامات مرجع تجدیدنظر استان و دیوان عالی کشور طبق قانون دادگاههای عمومی، انقلاب و نظامی

مرجع تجدیدنظر در موارد ذیل رأی را تأیید و پرونده را به دادگاه بدوی صادر کننده رأی ارسال می‌دارد

۱ - رأی مطابق قانون و دلایل موجود در پرونده باشد.

۲ - در صدور رأی مقررات قانونی رعایت نشده یا به دلایل و مدافعات طرفین توجه نشده لیکن این امر به درجه‌ای از اهمیت نباشد که موجب عدم اعتبار قانونی رأی گردد.

تذکر:

در صورت عدم رعایت شرایط قانونی

دادخواست یا عدم رفع آن، مرجع تجدیدنظر به خواهان اخطار می‌نماید که ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ نسبت به رفع نقص دادخواست اقدام که در صورت عدم اقدام یا اگر سمت دادخواست دهنده محرز نباشد این مرجع رأی را نقض و قرار رد دعوی بدوی را صادر می‌نماید. (ماده ۳۵۰ ق. آ. د. م.)

۳ - اشتباه در رأی مثل اعداد، ارقام، سهو قلم، احتساب محکوم‌به، خسارت، مشخصات طرفین، تعیین نوع و میزان مجازات، تطبیق عمل با قانون که به اساس رأی لطمه وارد نمی‌سازد ضمن اصلاح، آن را تأیید می‌نماید. (ماده ۲۵۰ ق. آ. د. ک و ۳۵۱ - ۴۰۳ ق. آ. د. م. و ماده ۵ قانون تجدیدنظر آرای دادگاهها مصوب ۱۳۷۲)

تذکر:

اصلاح اشتباهات فوق تا قبل از تجدید نظر خواهی توسط دادگاه صادر کننده رأی انجام می‌پذیرد (۳۰۹ - ۴۰۳ ق. آ. د. م.)

۴ - رأی به صورت حکم صادر شده، لیکن از حیث استدلال و نتیجه منطبق با قرار باشد آن را قرار تلقی و ابرام می‌نماید. (ماده ۴۰۳ ق. آ. د. م.)

۵ - قرار رد دعوا یا عدم استماع دعوا به جهت یاد شده در آن موجه نباشد، لیکن به جهات دیگری دعوا مردود یا غیر قابل استماع باشد. (ماده ۳۵۵ ق. آ. د. م.)
مرجع تجدیدنظر در موارد ذیل رأی را نقض می‌نماید

۱ - تشریفات قانونی یا اصول دادرسی یا قواعد امره رعایت نشده یا به دلایل و مدافعات طرفین توجه نشده و به درجه‌ای از اهمیت است که موجب عدم اعتبار قانونی رأی می‌گردد.

۲ - رأی مخالف قانون یا شرع باشد.

جهات درخواست تجدیدنظر

۱ - ادعای عدم اعتبار مدارک استنادی دادگاه یا فقدان شرایط قانونی شهادت شهود.

۲ - ادعای مخالف بودن رأی با قانون یا موازین شرعی.

۳ - ادعای عدم توجه قاضی به دلایل ابرازی.

۴ - ادعای عدم صلاحیت قاضی یا دادگاه صادر کننده رأی.

اگر درخواست تجدیدنظر به استناد یکی از جهات مذکور به عمل آمده باشد در صورت وجود جهات دیگر، مرجع تجدیدنظر می‌تواند به آن جهت هم رسیدگی نماید.

اقدامات مرجع تجدیدنظر استان و دیوان عالی کشور پس از نقض رأی

الف - رأی از دادگاه فاقد صلاحیت ذاتی صادر شده باشد، دادگاه تجدیدنظر استان یا دیوان عالی کشور رأی را نقض و به مرجع صالح ارسال می‌دارد.

تذکر ۱: در موردی که عدم صلاحیت محلی بوده، مرجع تجدیدنظر وقتی رأی را نقض می‌نماید که از این جهت ایراد به صلاحیت شده باشد.

استثنا: دادگاه تجدیدنظر استان در امور مدنی در مورد عدم صلاحیت محلی بدون ایراد صلاحیت نیز رأی را نقض و به مرجع صالح ارسال می‌دارد. (ماده ۳۵۶ ق. آ. د. م.)

تذکر ۲: مرجع تجدیدنظر فقط نسبت به آنچه تجدیدنظر خواهی شده و در مرحله نخستین مورد حکم قرار گرفته رسیدگی می‌نماید، لیکن در امور مدنی اگر قسمتی از حکم خارج از خواسته خواهان صادر شده باشد، رأی را در این قسمت نقض و در امور کیفری اگر عملی که محکوم‌علیه به اتهام ارتکاب آن محکوم شده است، به فرض ثبوت جرم نباشد یا به لحاظ عفو عمومی یا سایر جهات قانونی قابل تعقیب نباشد، حکم بدوی

را نقض و رأی مقتضی صادر می‌نماید. اگرچه محکوم‌علیه از این جهت تجدیدنظر خواهی ننموده باشد.

ب- اگر دیوان عالی کشور قرار را نقض یا حکم را به علت نقص تحقیقات نقض نماید، جهت رسیدگی مجدد پرونده را به دادگاه صادرکننده رأی ارسال می‌دارد که این دادگاه در مورد نقض قرار مکلف است با متابعت از نظر دیوان، رسیدگی ماهوی و در مورد نقض حکم به علت نقص تحقیقات پس از رفع نقض انشای رأی نماید. در سایر موارد نقض رأی پرونده را جهت رسیدگی به شعبه هم‌عرض دادگاهی که رأی منقوض را صادر کرده ارسال می‌دارد. دادگاه اخیر مکلف به تبعیت از نظر دیوان عالی کشور نیست و می‌تواند رأی اصراری صادر نماید.

تذکره: در امور مدنی، اگر قرار منقوض را دادگاه تجدیدنظر استان در تأیید قرار صادره از دادگاه بدوی صادر نموده باشد، در این صورت دیوان عالی کشور پرونده را به دادگاه بدوی صادرکننده قرار ارسال می‌دارد (ماده ۴۰۵ ق.ا.د.م)

ج- اگر دادگاه تجدیدنظر استان قرار را نقض نماید جهت رسیدگی ماهوی پرونده را به دادگاه بدوی صادرکننده قرار ارسال می‌نماید تا این دادگاه رسیدگی ماهوی و انشای رأی نماید. در سایر موارد نقض رأی، دادگاه تجدیدنظر رسیدگی ماهوی و انشای رأی می‌نماید.

تذکره: طبق ماده (۷) قانون آ. د. م، رسیدگی ماهیتی به هر دعوایی دو درجه‌ای است. بنابراین از حکمی که دادگاه صادرکننده قرار منقوض، صادر می‌نماید می‌توان مجدداً تجدیدنظر خواهی کرد.

مقررات تجدیدنظر از آرای دادگاه نظامی دو در دادگاه نظامی یک، مشابه مقررات دادگاه تجدیدنظر استان است.

مقررات تجدیدنظر از آرای دادگاه نظامی یک در دیوان عالی کشور همان مقررات تجدیدنظر در دیوان به شرح فوق است. (قانون تجدیدنظر آرای دادگاهها مصوب ۱۳۷۲)

آشنایی با محاکم قوه قضائیه و نهادهای مرتبط با آن

بدون تردید بخش عمده‌ای از اختلافات و دعاوی مردم از طریق دادگاههای دادگستری فیصله می‌یابد. در حقیقت اعمال قوه قضائیه، چنانکه اصل شصت و یکم قانون اساسی بیان داشته: «به وسیله دادگاههای دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و دادگستری و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد».

با این حال ادارات و سازمان‌های متعدد دیگری هم عهده‌دار ارائه خدمات قضایی به مردم هستند که آشنایی با آنها ضروری است. به این لحاظ، در این قسمت به معرفی اجمالی دادگاهها و بعضی از این نهادها و بیان مختصر وظایف آنان خواهیم پرداخت:

دادگاه‌های عمومی

این دادگاهها به عنوان مرجع عمومی رسیدگی به دعاوی به کلیه دعاوی و اختلافات مگر آنچه قانون استثناء کرده باشد رسیدگی می‌کنند.

قانون با در نظر گرفتن پیچیدگی انواع دعاوی به ریاست قوه قضائیه اختیار داده است بادر نظر گرفتن نوع دعاوی و تجربه و تبحر قضات، هر یک از قضات دادگاه‌های عمومی را به رسیدگی به دعاوی حقوقی، کیفری، احوال شخصیه، خانوادگی، اطفال، دریایی، پزشکی و دارویی، صنفی و امثال آنها تعیین و منصوب نماید.

دادگاه خانواده

یکی از شعب دادگاه‌های عمومی است که برای رسیدگی به دعاوی خانواده اختصاص یافته است. تشکیل دادگاه ویژه خانواده به موجب ماده واحده‌ای در سال ۱۳۷۶ به تصویب رسید. این ماده واحده مقرر می‌دارد: «رئیس قوه قضائیه مکلف است ظرف مدت سه ماه در حوزه‌های